



مقدمه‌ای

بر

آسیب شناسی

نهضت جنگل

بهنام کریمی

اشاره:

مقاله پیش رو، تلاشی است برای بررسی نهضت جنگل در دوره پانوی آن، یعنی از ورود روسهای سرخ به گیلان و تشکیل دولت جمهوری تانته‌ای کار نهضت.

در این پژوهش، تلاشی بر این است تا نهضت، از جنبه‌های مختلف، مورد بررسی قرار گیرد. کوشش بر آن است که نشان داده شود که هر بلیده تاریخی در طی روند خود، به کمک عوامل گوناگون ظهور می‌یابد. در نتیجه، برای فهم آن، باید از پنجره‌های گوناگون به آن نگریست، زیرا که این تعامل، بر ایند عللی است که سرنوشی را رقم می‌زند. در این مقاله، نهضت جنگل، از جنبه‌های مختلف بررسی شده و با جمع‌بندی انجام شده در انتهای آن، تلاشی شده است تا نگاه نگارنده از مجموع مباحث مطرح شده، بیان شود.

نگاهی به نهضت جنگل، تا پیوند با روسهای سرخ و تشکیل جمهوری انقلابی

با افول تدریجی انقلاب مشروطه و نه فدرت رسیدن مجدد مستبدان و عاملان استعمار در قالب مشروطه خواهان، و با افول مجلس مشروطه، حرکت

تحول طلب در ایران موقوف نشد، هر چند مشروطه، در برابر دیوارهای سخت قلم بهادر بایشخت، به افول می‌گرایید، اما انرژی آن، در نقاط مختلف ایران به جریان افتاده بود. جنبش‌های منطقه‌ای در طی این دوران، شاهد این مدعا است. از میرزا کوچک خان گرفته تا شیخ محمد خیابانی و کلش محمد تقی خان بسیار، در جهت تحقق اهداف مشروطه، دست به کوشش‌هایی زدند.

نهضت‌های منطقه‌ای، ملی (۱)، با افول تدریجی مشروطه شکل گرفت و با ظهور رضاخان، به پایان خود رسید. در این میان، نهضت جنگل، به لحاظ طول زمانی و دستاوردهایش، به طوری برجسته‌ان، از دیگر حرکات قابل تمیز می‌باشد. نهضت جنگل، حرکتی بود سیاسی، نظامی با اهداف تحقق آرمانهای مشروطه، جهت استقرار استقلال و آزادی ایران (۲).

جنگلی‌ها، معتقد بودند که مرامشان منطبق با روح قانون اساسی مشروطه است و از هر حیث، منرفی می‌یابند و با وضع ملی و اجتماعی شان، هماهنگی دارد (۳).

نهضت جنگل، در طی مسیر خود، با فراز و نشیب‌هایی مواجه شد که در تقسیم‌بندی کلی، می‌توان آن را به دو بخش عمده تقسیم کرد: ۱- از شکل‌گیری نهضت، تا بروز رشته درگیریهای سنگین با انگلیس‌ها و

رومهای تزاری، که برای سرکوب انقلاب روسیه، قصد رفتن به نفقاز را از طریق گیلان داشتند، قوای دولتی که برای سرکوب نهضت آمده بودند، در طی این مرحله، نهضت، دچار مصلحت‌زدگی شد که از آن جمله، جدا شدن حاج احمد کسائی و دکتر حشمت باقرنشان از نهضت می‌باشد.

آپس از پاشیده شدن قوای جنگل و مصلحت‌ناشی از جنگهای دشوار و حدایی حاج احمد کسائی و دکتر حشمت از نهضت، نیروهای جنگل، مجدداً به سازماندهی خود پرداختند و در حرکت روی به پیش خود، به پیوند با روسهای انقلابی رسیدند که منجر به تشکیل جمهوری انقلابی گیلان شد، و حوادث دیگر که سرانجام، مرگ، نهضت را رقم زد.

در این مقاله، تلاشی شده است تا ضمن بررسی نهضت جنگل پس از ورود روسهای انقلابی، به آسیب‌شناسی و علل شکست آن، که منجر به مرگ آن شد، پرداخته شود.

پیوند با روسهای انقلابی

با ورود روسهای انقلابی به سواحل بندر تزاری به بهانه تعیب روسهای سفید، نهضت جنگل، خود را در مرحله‌ای جدید احیا کرد. نهضت، اینک در موقعیتی قرار گرفته بود که ناگزیر به تعیین نسبت با وضعیت جدید بود. ورود روسهای انقلابی، مایه‌توانه خوشامی‌ناشی از سرنگونی تزارها و شعارهای پراکنیز آن‌ها، نهضت جنگل را وامی‌داشت تا نسبت به این رقبای انقلابی، موضعی نغان در پیش گیرد.

میرزا کوچک خان، در اوکین گام، با تازه واردین روس وارد مذاکره شد و از همان ابتدا، تفاهت‌های طبقاتی و ایدئولوژیک ایشان به همراه تحلیلشان از شرایط ایران، بروز یافت. میرزا، بر شرایط ملی، مذهبی ایران ناهم‌کیدی کرد و مصر بود از اشاعه مرام کمونیستی جلوگیری شود. اما طرف مقابل، استدلالات میرزا را کافی نمی‌دانست و بر اشاعه کمونیسم اصرار داشت. سرانجام، روسهای سرخ، با توجه به تجارب میرزا در زمینه‌های نهضت در ایران، نظری را پذیرفتند. (۴)

فراورد حاصل از مذاکرات یاد شده، بر اساس محورهای ذیل استوار شد،
۱. عدم اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و لغای ماتکنت و ممنوع بودن تبعیفات.

۲. تأسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت، با چشم انداز فتح تهران.
۳. رسمیت شناختن استقلال این حکومت و عدم مداخله شورویها در ایران.

۴. تقصیر در مورد تاهمین مینات و اسلحه برای این حکومت، از جانب شورویها.

۵. دکالای بازار گنان ایرانی، که در یاد کوبه ضبط شده. تحویل این حکومت شود.

۶. واگذاری کتیه مؤسسات تجاری روسیه در ایران، به حکومت جمهوری. (۵)

بعد از امضای این قرارداد، جنگلیها و رومیها، وارد رشت شدند و جمهوری انقلابی گیلان را تأسیس کردند. جمهوری انقلابی گیلان، به طور کلی سه مرحله را پشت سر گذاشت:

۱. از ورود به رشت و تأسیس جمهوری گیلان، تا خروج میرزا کوچک خان

از رشت و وقوع کودتا توسط احسان‌الله خان و همدستان روسی و ایرانی‌اش.
۲. از آمدن حیدر عموغلی به ایران و پیوند مجدد در میان نیروهای جنگل، تا واقعه ملأسرا که حیدر خان، خالو قربان و احسان‌الله خان هدف ترور قرار گرفتند و طی آن، حیدر خان، به اسارت درآمد و نقت، جان سالم به در بردند. (۶)
۳. از واقعه ملأسرا، تا پایان نهضت.

علل پیوند با روسهای انقلابی

علل پیوند نهضت جنگل با روسهای انقلابی را به طور خلاصه می‌توان در موارد زیر، تقسیم‌بندی کرد:

۱. نهضت جنگل، به عنوان حرکتی بومی و ملی، تاریخی انقلابی رویه رو شده بود که به لحاظ قومی، طبقاتی، ایدئولوژیک و تحلیلی شرایط، با آن متفاوت بود. میرزا، سعی کرد از موضع نهضت، با این آترناتیو رابطه برقرار کند.

در طول روابط نهضت با روسهای انقلابی، همواره از جانب نهضت، بر عنصر ملی و بومی تاهکید می‌شد و تنها از این موضع بود که بین میرزا و روسهای انقلابی، وحدت و باجدهنی پیش می‌آمد. ناین که این وحدت‌ها و جداییها، به درون نهضت بی‌راه پیدا کرد و جنبانی از ایشان، به رهبری احسان‌الله خان، با روسهای انقلابی همراه ساخت.

۲. برخورد با روسهای انقلابی، به واسطه شعارها و تبعاتشان و همچنان، از پای در آوردن تزارهای غدار، ظرفیت خاصی نیاز داشت. یقیناً، می‌گوید: در ملاقاتی که با میرزا پس از ورود به نوشویکها داشته، میرزا، به او گفته است که: «در ایام امپراتوری روس، اگر بر ما فشار می‌آوردند، ما داد و فریاد کرد، و از افکار عامه دو کراتها و آزادیخواهان دنیا، کمک می‌خواستیم. ولی اگر از طرف دولت انقلابی روسیه، بر ما فشار بیاورند، ما از هیچکس نمی‌توانیم کمک بخواهیم. زیرا روسهای انقلابی، خواهند گفت که کلیه اقداماتشان برای پیشرفت انقلاب بین‌المللی و آزادی ملل کوچک انجام می‌شود». (۷)

۳. با قدرت گرفتن بلشویکها در روسیه و مجاورنشان با ایران، طبیعی به نظر می‌رسید که انگلستان، وضعیت ایران را یکسره کرده و برای جلوگیری از اشاعه کمونیسم، از تشکیل حکومتی ضد کمونیسم، که بر سر امر ایران، میگرد داشته باشد، حمایت کند. در این شرایط، دیگر برای نهضت جنگل، ممکن نبود که در مرزهای گیلان و نواحی اطراف آن پراکنده باشد. نهضت، نیازمند کسب موقعیت جدیدی بود تا بر طبق آن، موقعیت خود را در نواحی مهمی از کشور تثبیت کرده و با چشم انداز فتح تهران، به پیش برود. زیرا اگر نهضت، خود را در قامت آترناتیوی ملی عرضه نمی‌کرد، دیگر امکان تدوین حیات خود را به صورت حرکتی منطقه‌ای از دست می‌داد و قربانی فشار شرایط و معاملات قدرتهای گردید. تشکیل حکومت جمهوری گیلان، با هدف فتح تهران نیز، در همین چارچوب قابل تحلیل است.

جنگل، نتوانست به عنوان آترناتیو مداوم بابد و سرانجام، با ظهور آترناتیو نظامی، ضد کمونیسم رضاخان، شکست خورد.

۴. پیوند با روسها، خیال نهضت را از یاب تاهمین سلاح آسوده می‌کرد. در قرارداد اوک کوچک خان با روسهای انقلابی، نیز، بر تاهمین سلاح، تاهکید شده است.

شکاف در نهضت جنگل

در کنار نام الرامتی که جنگل را برای برقراری پیوند با روسهای انقلابی فرامی‌خواند، از این رهگذر، عواضی نیز دچار نهضت شد. نهضت، پس از تأسیس دولت جمهوری گیلان، به دو بخش، شقه شد: جناحی به رهبری احسان‌الله خان، به روسهای انقلابی نزدیک شد که در نتیجه این نزدیکی، میرزا از رشت خارج شد و به پایگاه خود در جنگل بازگشت. در می‌خروج میرزا در رشت کودتایی رخ داد و این بار، احسان‌الله خان، در رأس جمهوری قرار گرفت.

احسان‌الله خان، به خاطر نوع تفکر خود، خیلی راحتتر از میرزا توانسته بود با روسها پیوند بحورد. وی، برخلاف میرزا، مذهبی نبود. او، در کنار احساسات وطن‌دوستی و آزادیخواهی و عدالت‌طلبی، آرزوی اتحاد تمام مثل دنیارادداشت. (۹) چنین منظومه فکری، در کنار حس اعتماد (۱۰) به بنسویکها، او را مستعد نزدیکی به ایشان می‌گرد.

میرزا اگرچند خان، کسی بود که دوست دشمن، بر باورهای مذهبی (۱۱) و روحیه ناسیونالیستی اش (۱۲) مقرر بود. او، شعار «ایران برای ایرانی» را می‌داد (۱۳) و روسها، از او دلسرده شده بودند، زیرا او را ایرانی‌ای ناسیونالیست شناخته بودند. (۱۴)

در کنار تفاوت‌های میرزا کوچک و احسان‌الله خان، که با خراب‌گرفتن در بستری مناسب، به حد‌اعلی، خود را نشان داد. عوام‌ل دیگر نیز موجب این شکاف شد، از جمله: رقابتهای قومی، پایگاه‌های طبقاتی و شکافهای ایدئولوژیک. که به هر کدام آنها اشاره خواهیم کرد.

بخش یکم - رقابتهای قومی

نهضت جنگل، اگر چه محدود به یک منطقه بود، اما به لحاظ قومی، ترکیب خالص منطقه‌ای به خود نگرفت. پیش از ورود روسیه شوروی و جمهوری آذربایجان و نه تبع آنها، روسها و آذربای به نهضت، کردها به عنوان گروهی غیربومی، در آن حضور داشتند. کردها، پیش از پیوستن به نهضت جنگل، به سفر رودخانه و استخر، جهت آبیاری مزارع کشاورزان گیلان اشتغال داشتند. (۱۵) و با همراه بارها، متغول به دست آوردن کثیرا و فروش آن به تجار صادرکننده بودند و پس از شروع نهضت، عدلهای از این افراد، به آن پیوستند. (۱۶) غیر از کردها، افرادی از زانداومها، که طبیعتاً از گروههای قومی مختلف بودند و آذربایمانند احسان‌الله خان و حتی اتباع خارجی (مستشاران عثمانی و آلمان) در نهضت حضور داشتند که برخی از آنها، نام ایرانی برای خود برگزیدند، مانند گانوک آلمانی. که اسم ایرانی هوشنگ را انتخاب کرد و تا انتهای نهضت نیز، به همراه میرزا ماند.

با ورود روسهای انقلابی و تشکیل جمهوری گیلان و تقسیم پستهای حکومتی، و با توجه به فارسی‌رانی منطقه، زمینه برای کشمکشهای قومی فراهم شد. نگاهی به ترکیب قومی کابینه‌های تشکیل شده، تا حدودی رقابتهای قومی را آشکار می‌کند. از نه کبیر اولین دولت انقلابی، که در هفدهم جوزا ۱۲۹۹م اعلان شد. غیر از یک نفر (حاجی محمد جعفر کنگاوری)، بقیه، گیلانی بودند. (۱۷) در دولتی که پس از کودتا تشکیل شد، بجز یک نفر (سید جعفر) همگی، غیر گیلانی بودند. (۱۸)

این حبابه جایی ترکیب قومی در دولت، به عنوان نمونه، بیانگر ارتباطات

و پایگاه قومی. هر کدام از دو جناح نهضت است. جناح میرزا، به واسطه بومی بودنش، به طبع با اهالی گیلان ارتباط بیشتری داشت و هنگامی هم که تشکیل دولت داده، اعضای را از میان نیروهای بومی انتخاب کرد. جناح دیگر نهضت، که در رأس احسان‌الله خان و خالو قربان دیده می‌شوند. بیشتر متکی به نیروهای غیر گیلانی و بخصوص کردها بود. (۱۹) تفکراتها و روسهای پیوسته به نهضت نیز، در همین جناح قرار می‌گیرند. جناح مذکور، به خاطر پایه‌های غیربومی اش، همانند میرزا نمی‌توانست بسادگی با اهالی ارتباط برقرار کند؛ زیرا همانند او، در منطقه ریشه‌دار نبود. هر چقدر که میرزا، در پیوند خود با بنسویکها و موساس به خرج می‌داد و تلاش می‌کرد تا مرزبندی نیروهای خود را با ایشان حفظ کند. (۲۰) جناح مقابل، در برابر روسها، مرزبندی خاصی برای خود قائل نبود.

بخش دوم - پایگاه طبقاتی نیروها

سطح یکم - وضعیت طبقاتی نهضت، پیش از ورود روسهای انقلابی اغلب اعضای اولیه نهضت جنگل را، کشاورزان گیلانی دارای زمینهای کوچک تشکیل می‌داد. (۲۱) اما پایه نهضت جنگل، به خرده مالکان محدود نمی‌شد. با مداوم نهضت، طبقات دیگری نیز به آن پیوست و نهضت جنگل، به عنوان حرکتی وسیع‌المشرب در برابر طبقات، به عرصه آمد. بدنه نهضت جنگل، متشکل از دهقانان به طور عمده، خرده مالکان، سرمایه‌داران کوچک، کارمندان، و بنسفران (۲۲) و کارگران (۲۳) بود.

در کنار این اقشار، مالکان بزرگ و تجار عمده نیز، به مقتضای موقعیت به آن می‌پیوستند و یا از آن کناره می‌گرفتند. زیرا برای این طبقه، حفظ منافع مادی، دغدغه اصلی محسوب می‌شد. (۲۴) از این جهت، همواره به دنبال توافقی و نزدیکی با قدرت غالب منطقه بودند؛ چونکه ایشان، به لحاظ طبقاتی در چنان موقعیت ممتازی قرار داشتند که انجام ریسکهای بزرگ برایشان نامفهوم بود.

شمال ایران و بخصوص منطقه گیلان، به لحاظ اقتصادی و تجاری، ارتباط بسیار نزدیک با روسیه داشت. برای آن منطقه، روسیه نه تنها به عنوان شریک تجاری و رونق بخش زندگی اقتصادی محسوب می‌شد، بلکه از طریق آن، راه ترانزیت به سمت اروپا نیز گشوده بود. (۲۵)

با شروع انقلاب روسیه و جنگهای داخلی در آن کشور، راه تجارت با روسیه و ترانزیت کالا از انجا، بسته شد. با توجه به رقابت روسهای انقلابی و انگلیسها، این تصور در ذهن اهالی منطقه شکل گرفت که نمی‌بایست رفتن انگلیسها را از گیلان خواست؛ شدت‌تاپس از خارج شدن آنها از گیلان، روسها، راه روسیه را باز کرده و اجازه دهند که محصولات و مواد خام ایران، از اذانه به روسیه حمل گردد. (۲۶)

از جانب دیگر، وجود قرارداد ۱۹۱۹، که از جانب و ثوق الدوله، با انگلیسها به امضا رسیده بود. همه انگلیسها اجازه دخالت در کلیه امور داخلی ایران را می‌داد و به قول عمال انقلابیون جنگل، قرارداد نامرده، حکم قبالة فروش ایران به انگلستان را داشت. (۲۷)

مجموع این زیانها و شرایط دهنی، تنها طبقات بالا را در بر نمی‌گرفت، بلکه به طور مبهمی، به بدنه اجتماع نیز سرریز می‌گردید. پیش از ورود روسهای سرخ، کلیه ادارات و موسسات دولتی، به واسطه فساد اداری حاکم، حقوق

خود را به موقع نمی‌گرفتند. ژاندارمها، معلمان، نیروهای نظمیه و حتی فئود، همگی شامل این وضعیت بودند. این موضوع نیز، بر تعداد ناراضیان می‌افزود. (۲۸)

در مجموع، ملاحظه می‌شود که شرایط حاکم بر منطقه و کشور، اقتضای طبقات مختلف را مورد ناهماهنگی قرار داده بود. این مجموعه شرایط، زمینه عینی و ذهنی را برای تحوّل و رهایی از وضع نامطلوب حاکم، فراهم می‌کرد. در چنین شرایطی بود که روسهای انقلابی، با شعارهای انگیزاننده خود، وارد گیلان شدند.

سطح دو - وضعیت طبقات، پس از ورود روسهای انقلابی

طبقات مرفه، به امید گسسته شدن راه روسیه، جهت رونق اقتصادی گیلان، در برابر ورود روسهای انقلابی، از خود مقاومتی نشان ندادند. اما دغدغه تسلط روسیه‌ای اشراکین بر منطقه و به تبع آن، مصادره اموالشان، اربان را وادار کرد تا با حمایت از میرزا کوچک خان، موضع وی را تقویت کنند؛ زیرا با توجه به شناختی که از کوچک خان داشتند، تصور می‌کردند که وی، اموال ایشان را مصادره نخواهد کرد. (۲۹)

صاحبان منافع، هر چند که پیشتر نیز، سابقه پیوند با نهضت جنگل را داشته‌اند، مبادا اگر گون شدن شرایط نیز، پیوند گسسته‌اند. این یار نیز، پیوندی برقرار کردند تا در شرایطی دیگر بگسلند؛ چرا که جهتگیری ایشان، تنها و تنها منطبق بر حفظ اساس شرایط اقتصادی موجود بود.

مالکان، تجار و کسبه، همه گونه کمک مالی به سازمانهای میرزا کوچک خان می‌کردند. (۳۰) انگیزه ایشان، علاوه بر تقویت موضع میرزا در برابر روسها و ایرانیهای سرخ، از این جهت بود که فئود را زودتر از گیلان به طرف تهران حرکت کند و راههای جنوب ایران باز شود و باب تجارت نیز، افتتاح گردد. (۳۱)

پایگاه طبقاتی نه کبیر اولین دولت انقلابی گیلان، که به سر کبیری کوچک خان برقرار شد. نشانگر همونی طبقات حاکمی میرزا، در مقطع حضور سرخها و به نوعی، بیانگر بخشی از پایگاه اجتماعی نهضت جنگل می‌باشد.

(جدول شماره ۱)

خانواده روحانی و بزرگ مالک، ۲ نفر
کارمند وزارت امور خارجه، ۱ نفر
بنگاهدار، ۱ نفر
سرخه مالک، ۱ نفر
مالک، ۱ نفر
کارمند تجارتخانه و اجاره‌دار بندر، ۱ نفر

جدول فوق، نشان می‌دهد که در تشکیل اولین دولت انقلابی گیلان، چه طبقاتی توان اعمال عزمی داشتند. حتی می‌توان ادعا کرد که پایگاه اجتماعی کوچک خان نیز، نتوانسته بود همزمنی خود را بر این دولت تحمیل کند. هر چند که دولت مذکور، بر اساس ائتلاف نهضت جنگل و روسهای سرخ تشکیل شد، اما ترکیب کبیرهای آن، متشکل بود از ائتلاف مالکان (به طور عام) دولتیان بسته به نهضت و تجار و ورود روسهای سرخ و اشراکین ایرانی به گیلان،

ایران را وادار می‌کرد تا برای تداوم فعالیت خود پیش در منطقه و اشاعه مرام بلشویسم، پایگاه طبقاتی مناسب خود را بیابند. (۳۲) از آنجایی که در گیلان طبقه کارگران صنعتی وجود نداشت، اشراکین، تلاش کردند تا با جذب و سازماندهی زحمتکشان شهری و روستایی، برای حریفی بیشتر و طبقاتی قابل اتکایی بیابند. احسان الله خان، که بین خود و روسهای سرخ، نزدیکیهای احساس می‌کرد، خیلی سریع در کنار ایشان قرار گرفت. وی، در تعلق پس از ورود روسهای سرخ، شعار «ژنده باد انقلابی» که زمزمیر به دهقانان می‌دهد را مطرح کرد. (۳۳) کازانوف نیز پس از ورود به روستا، علیه سرمایه‌داری سخنرانی کرد. (۳۴) انقلابیون سرخ، پیشتر در مواضع خود را در دامن زدن به مبارزه طبقاتی می‌دیدند. «زور قبیله، صیادان و حملان، روز به روز زیدتر در برقراری عدالت» (۳۵) داخل می‌شدند. ... عدالتها، بیگ و ثیلبعات را کافی ندانسته، شروع به مسلح کردن دستجات کارگران و مساحان نمودند. عدّه آنها، چند روزه به سیصد نفر رسید. (۳۶)

در ایام انقلاب گیلان، اجتماع بزرگی، متشکل از نمایندگان کشورهای مشرق، جهت پیش بردن امر انقلاب در این کشورها، در باکو برگزار شد. ترکیب ایرانیهای شرکت کننده در این کنگره، که به کنگره شرق موسوم است، دلیل دیگری می‌باشد بر تلاش سرخها، در انتخاب پایگاه طبقاتی خود در منطقه. ایرانیهایی که در کنگره شرق حضور یافتند عبارت بودند از: مساحان، کارگران، دلالان و نوگردان. (۳۷) اگر ادعا کرد که از کارگران منطقه محسوب می‌شدند به طور چشمگیری به ارتش سرخ می‌پیوستند. (۳۸) اما حائات توجه اینکه در پایان کار نهضت و هجوم رضاخان به منطقه، ایشان، نه مانند احسان الله خان به روسیه رفتند و نه همچون کوچک خان، در کوهها پناهنده شدند؛ بلکه به همراه رهبر خود، خاتو قربان، به نیروهای دواتی پیوستند و در کنار ایشان، به سرکوب نهضت جنگل و مستقری کردیاری رساندند. این عزم موضعگیری، به ما اجازه می‌دهد که ادعا کنیم آنچه که بر ایشان حاکم بود، روحیه قبیله‌گری بوده است.

میرزا کوچک خان، تلاش می‌کرد تا منافع منطقه و اهالی آن را نمایندگی کند. پیوند او با طبقات مختلف، کردها و حتی روسهای سرخ، گواه مدعای ماست. او، هرگز در گسستن پیمانها پیشدستی نمی‌کرد و حتی حاضر بود که طبقات تروتمند (مالکان بزرگ و تجار بزرگ) را، با توجه به سابق بیوستان به نهضت و گسستن از آن، که گاه نیز، در جناحه خیانت ظهور می‌کرد، دوباره بپذیرد. اما در مجموع می‌توان میرزا را، در درجه اول، مدافع منافع دهقانان، خرد و سرمایه‌داران مانند بیسه‌وران، و خرده مالکان دانست. (۳۹)

بخش سوم - شکافهای ایدئولوژیک

یکی از عواملی که نهضت جنگل را دچار تفرقه و جدایی کرد، تمایزهای ایدئولوژیک بود که در بین نیروها وجود داشت. در چهار سطح، می‌توان تفاوت ایدئولوژیک میرزا کوچک خان را با جناح مقابلش (بلشویکها، اعم از روس و ایرانی، و احسان الله خان) مورد اشاره قرار داد. جناحهای ایدئولوژیک نهضت، به دو دسته عمده و به ترتیب فوق، تقسیم می‌شوند. نهضت، در مراحل پایانی خود، در این دو جنبه تعیین می‌یافت و در چهار سطح ذیل، دارای مرزبندیهای آشکار بود:

سطح یک، ناسیونالیسم و اشراکین‌سالاری،

سطح در مذهب بودن و غیر مذهبی بودن یا ضد مذهبی بودن،
سطح سه مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی،
سطح چهار فهم بر حدهای نهفت و فهم غیر بر حدهای آن،
در ذیل، به ترتیب، به بررسی هر یک از سطوح یاد شده می‌پردازیم:

سطح یک - ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم

میرزا کوچک خان را باید در جناح ناسیونالیسم قرار داد. نه تنها کارنامه او،
در برخورد با روسهای سرخ، دارای فاکتورهای بسیاری در این زمینه است، بلکه
بیشینه زندگی مبارزاتی اش نیز، گویای این مدعا است. میرزا، در نامه‌ای که در
تاریخ ۲۵ رجب ۱۳۳۶ هـ. ق. از غلبس به دوستانش نوشته است، شرح می‌دهد
که مأم وطن، در گفتگویی معنوی، او را به برنگیختن در برابر نژادی ایران به
دست اجانب، فرامی‌خواند. (۴۰) این روحیه ملی، تا انتها با کوچک خان ماند.
میرزا پیش از ورود به رشت، در وعده‌هایی که به مخاطبان محلی خود می‌داد،
از واژه‌های «ایرانیان» و «وطن» او، املت استفاده می‌کرد. (۴۱) و بدین طریق،
حرکت خود را در چارچوب ملی تلقی می‌نمود. دوست و دشمن، بر مبنای
بودن او تاءکید می‌کنند. از انگلستان و روسیه نامه‌موران دولتی، همگی، او را
عنصری ملی می‌دانند. (۴۲)

یکی از مسائل عمده برای میرزایی اقتصادی به روسهای سرخ بود. زیرا
در هر صورت، آنها را بیگانه می‌دانست. پس از ورود روسهای سرخ،
کوچک خان، به طور خصوصی به یکی از یارانش گفته بود: «خدایا، شاهد
است هرگز راضی نیستم با اجانب و خارجیها، در صدد اداره امور وطن و مسکنک
باشم.» و تاءکید کرده بود که شرایط و رسیدن به اهداف، اتحاد با ایشان را الزام
کرده است. (۴۳)

در مقابل سرز، سرخها فرامی‌گرفتند که دارای عقاید انترناسیونالیستی
بودند. نیروهایی که از میرزا جدا شده و در کنار ایشان قرار گرفتند نیز، دارای
اعتماد بسیار نسبت به روسهای سرخ بودند. (۴۴) حسان الله خان، شاخص این
وضعیت بود. (۴۵) تشکیل کنگره شرق، جهت به پیش بردن امر انقلاب مشرق،
بزرگترین ادعای انترناسیونالیستی روسهای سرخ بود. همچنین، تشکیل اجناب
کمونیست در کشورهای دیگر، که با حزب کمونیست شوروی، در پیوندی
ارگانیک بودند.

سطح دو - مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی

نخستین بند از نخستین قرارداد میرزا کوچک خان با روسهای سرخ، در
هنگام ورود به گیلان، عبارت بود از: «عدم اجرائی اصول کمونیسم، از حیث
مصادره اموال و انقاع مالکیت ...» (۴۶) میرزا، پیش از ورود به شهر رشت و
تشکیل دولت انقلابی، وعده حفظ اموال و ادر دستاورد صاحبانشان داد. (۴۷)
یقیناً، که از نزدیک شاهد حوادث آن دوره بوده است، می‌گوید:
«میرزا کوچک خان و اطرافین نزدیکش، طرفدار مالکیت شخصی بودند و عقیده
داشتند که مالک، باید با ارض خود تصرفاتی نماید و او را از سهم خود از حاصل
اراضی محروم نکند. ولی عقیده نداشتند که اراضی را باید از مالکین گرفته و
بین زارعین تقسیم کنند، و همچنین، عقیده نداشتند که کالاهای تجار را گرفته
و در انبارهای ملی جمع کنند. و یا به مردم بفروشد و پول آن را برای احتیاجات
دولت خرج کنند. کوچک خان، سوسیالیست نبود، ولی طرفدار همراهی و

کمک به مردم و طبقات عاجز و ستمدیده بود.» (۴۸) در کتاب پیدایش حزب
کمونیست ایران نیز، عثان شده است، که «میرزا کوچک خان و همفکران او، ...
از اصل مالکیت خصوصی، منقذ است.» دفاع می‌کردند. (۴۹)

جناح مقابل میرزا کوچک خان، در اوگن مذاکرات با وی پیش از پش
فرار داد، بر اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و انقاع مالکیت و ...
تاکید داشتند و به سخنی حاضر به پذیرش طرح نشدن آن در متن قرارداد
شدند. (۵۰) ایشان، در سخنرانیهای خود پس از ورود به رشت، بر ضد
سرمایه داری (ان) و به نفع نسیم زمین در میان دهقانان (۵۱) سخن گفتند. حزب
عدالت، به دولت شوروی ایران فشار می‌آورد که «نژودی دست به تصرف
املاک و ثروت مالکین و سرمایه‌داران بزند.» (۵۲) پس از کودتای بلشویکها و
تشکیل دولت جدید به سرکسیری احسان الله خان، «بفرو امتیازات مالکین و
انقاع اصول ملوک الطوائفی، و رفع احتیاجات اصلی کارگران بوسه و دهانت
(۵۳)» در برنامه دولت قرار گرفت.

علاوه بر آنکه میرزا کوچک خان، از مالکیت خصوصی دفاع می‌کرد،
توجه به مواد اقتصاد و کار مراننامه جنگلیها، قابل توجه است. موارد اقتصادی
و حقوق کار مطرح شده در این مراننامه دارای جهتگیری سوسیالیستی است.
در مقدمه این مراننامه، آمده است: «اساسی عمومی و نجات طبقات زحمتکش
از ارض، کاسب، کارگر، مسکن نیست مگر به تحصیل آزادی حقوقی و تساوی
امراد انسانی عموم فرق و نژاد و مذهب در اصول زندگی و حاکمیت اکثریت
... و واسطه متخین، پیشرفت این مقاصد را فرقه اجنابعمون به مواد ذیل تعقیب
می‌نمایند.» (۵۵) در ماده چهارم این مراننامه، که به اقتصاد تعلق دارد، نوشته
است:

۱۲. منابع ثروت از قبیل خالصجات، ورودخاها، مراتع، جنگلیها، در باها،
معادن، طرق و سوارع و کارخانه ها، جز و علاقه عمومی است.

۱۳. مالکیت اراضی، با ملاحظه ناهمین معیست عمومی، نا حادلی تصدین
خواهد شد که حاصل آن، عاید تولیدکننده شود.

۱۴. ممنوع بودن انحصار و احتکار اراضی و سرمایه.

۱۵. تبدیل مالباثهای غیر مستقیم، به مستقیم، تدریجاً، (۵۶)

در ماده هشتم، ذیل عنوان کار می‌حرانیم:

۱۶. ممنوع بودن کار برای افرادی که سن آنها به ۱۴ اثر سیده باشد.

۱۷. برانداختن اصول بیگاری و مفتخواری، به وسیله ایجاد مؤسسات و

تشکیلات، که تولید شغل و کار نماید.

۱۸. ایجاد تکنیر کار خانجات، با رعایت حفظ الصحة کارگران.

۱۹. تمدید ساعات کار در شبانه روز، منتهی به هشت ساعت. استراحت

عمومی و اجباری، در هفته یک روز، (۵۷)

در این مراننامه، گرایشهای سوسیالیستی مشاهده می‌شود. نیک می‌توان
این بر سش را مطرح کرد که مرابع حمایت از مالکیت خصوصی و گرایشهای
سوسیالیستی میرزا کوچک خان، چگونه قابل جمع است؟ به این پرسش، در
بررسی سطح چهارم (فهم بر حدهای) فهم غیر مرحله‌ای، پاسخ خواهیم داد. در
انجا، فقط اشاره می‌کنیم که می‌توان با استناد به فاکتورهای متعدد، نشان داد که
میرزا، از یک برنامه مکتوب شده کوتاه مدت و بلندمدت برخوردار بوده است.
نعیب تحققی گرایشهای سوسیالیستی از جانب وی را، می‌توان در برنامه
در از مدتش گنجاند.



متراشیدن، خارج شوند، بدون عمامه در کوچه ها دیده می شدند. در رشت، روحانیون، با لباس خود از متراشیدن بیرون می آمدند و در کوچه ها دیده می شدند.» (۶۳)

نشان افکار اهالی منصفه بر کمونیستها، که ایشان را بی دین و بر ضد اسلام معرفی می کرد، ایشان را وادار نمود تا به وسیله نطقها و میباحثات و مقالات، سعی کنند ثابت نمایند که بنشویکها، بر ضد اسلام نبوده و بر عکس دین اسلام راه از دست بی دینها حفظ و محافظه می نمایند. (۶۴)

سطح چهارم - فهم مرحله ای و فهم غیر مرحله ای نهضت

ادعای ما، بر این است که میرزا کوچک خان از طی مسیر نهضت، ناشی مرحله ای داشت است. به این مفهوم که در هر موقعیتی، باید شعارها و موضعگیریهای متناسب با آن مرحله را اتخاذ کرد.

ادعای دیگری که مطرح می کنیم، عبارت از این است که جناح مقابل میرزا کوچک خان یعنی کمونیستها و متحدانشان، از نهضت و حرکت، ناشی مرحله ای نداشتند (بجز دوره هژمونی حیدرخان عمواوغلی بر حزب کمونیست ایران) به این مفهوم که می خواستند تمام اهداف و آرمانهایشان را در اوگن قدم، به شعار و عبیت تبدیل کنند.

حزب کمونیست (حدائق) ایران، در جریان نهضت جنگل، دو مرحله را طی کرد، مرحله نخست، هژمونی «سلطان زاده» بر حزب برقرار بود. در این مرحله، که منطبق با ادعای دوم ماست، حزب کمونیست، تا انجام کودتا و به راه انداختن جنبش «خالص کمونیستی» (۶۵) به پیش رفت اما در مسیر خود، به سد واقعیت شرایط مطلقه برخورد کرد و از حرکت باز ماند.

سطح سه - مذهبی بودن و غیر مذهبی یا ضد مذهبی بودن

مذهب، به عنوان خط مرزی میان میرزا کوچک خان و سرخها قرار داشت. میرزا، از پایگاه مذهب در برابر تبلیغ اصول اعتقادی کمونیسم می ایستاد. (۵۸) او، تلاش می کرد تا نیروهایش به لحاظ اعتقادی، جذب جناح مقابل نشوند. (۵۹) کوچک خان، در عین آنکه پاینده شعار مذهب بود، غیر مذهبیها و ضد مذهبیها را هم تا پیش از آنکه بر او بورش برند، حتی به عنوان همکار می پذیرفت. (۶۰) مذهبی بودن میرزا، او را دعوت به شرکت در یراتیک، اجتماعی می کرد. این ادعا، مبتنی بر کل سیر حرکت میرزا از دوران سرروژه تا لحظه مرگ اوست. مذهبی بودن، برای او تحریک، انقلاب و منافع ملی را تجویز می کرد.

یکی از رجال ایران، که با کوچک خان اشتیاقی داشت، اظهار عقیده می کند که: «... و بهمرفته، سرراکی چنگ شان، مردی مذهبی بود که می خواست افکار انقلابی را در جامعه مذهب عرضه کند...» (۶۱) در برابر میرزا، سرخها قرار می گرفتند که به لحاظ ایدئولوژیک، ناشی مذهبی بودند و از میان نهضت جنگل نیز، افرادی همچون احسان الله خان، که دارای عقاید مذهبی نبودند، جذب ایشان شدند. ایشان، حتی میرزا را هم به کنار گذاشتن مذهب تشویق می کردند. (۶۲)

پس از کودتای کمونیستها و سرکمیسر شدن احسان الله خان، روحانیون، در وضعیت دشواری قرار داشتند. یقیناً، می گویند: «روحانیون رشت، نسبت به روحانیون انزلی، آزادیتر بودند و گاهی در کوچه و خیابان دیده می شدند و برای ملاقات دوستان و مریدان خود می رفتند. در انزلی، روحانیون، از متراشیدن بیرون نمی آمدند و اگر در نتیجه بره ای پیشامدها، مجبور می شدند که از

ادعای سوم ماه مبارک است از اینکه بعد از مواجه شدن سیاستهای حزب کمونیست ایران با شکست که هژمونی «سلطان زاده» جای خود را به هژمونی «حیدر خان عمو اوغلی» داد. حیدر خان، با ارائه تره‌های خود که نشانگر درک صحیح از شرایط ایران بود، بیشترین نزدیکی را با فهم مرحله‌ای کوچک خان از حرکت نهضت نشان داد. حیدر خان نیز، مرحله پیشروی نهضت را، مرحله آزادی بخش ملی می‌دید که در طی آن، می‌بایست انگلیس‌ها را از ایران بیرون راند و ایران را به استقلال سیاسی و اقتصادی رساند. (۶۶)

اگر به مواضع کوچک خان در بعد از ورود روسها دقت شود، ملاحظه می‌گردد، تمامی تلاش وی، بر جلوگیری از دامن زدن به مبارزه طبقاتی و اعتقادی استوار بود. وی، بر عنصر ایرانیّت و اسلامیت، به عنوان مبانی فرهنگی ایرانیان دست می‌گذاشت (۶۷) می‌گفت: «من، فقط برای حفظ و تأمین شغل، سرمایه، عصمت و مذهب تمام ایرانیان رندگی می‌کنم ... ماه برای خدمت به وطن و ملت حاضر هستیم» (۶۸)

نصراً ماه بر این است که کوچک خان، می‌خواست با آنکه به دو عنصر ایرانیّت و اسلامیت، چتری برای اتحاد مردم در برابر استعمار و استبداد ایجاد کند؛ اما مواضع جناح مقابل وی، مبتنی بر دامن زدن به مبارزه اعتقادی و طبقاتی در کنار مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری بود. ایشان، پس از ورود به رشت، علیه سرمایه‌داری سخنرانی کردند و شعار تقسیم اراضی را سر دادند. اما هنگامی که قدرت را به دست گرفتند، مجبور شدند که موقتا از اعلام اصلاحات ارضی خودداری نمایند. (۶۹)

کوچک خان، مالکوت خصوصی را، در آن مرحله نهضت پذیرفته بود. اما با نگاهی به مراسمات جنگل، متوجه می‌شویم که جهنگریهای سوسیالیستی نیز، در چشم انداز جنگلیها وجود داشته است؛ بخصوص، هنگامی بر این ادعا مصر می‌شویم که بدانیم پس از انتشار تره‌های حیدر خان و برنامه حداقلی، کوچک خان، موافقت خود را با این برنامه اعلام نمود. (۷۰) نکات قابل توجه اینکه، در این برنامه، بر اصلاحات ارضی به نفع دهقانان و تأمین اجتماعی پس از فتح تهران، تأکید شده بود. (۷۱) مسیر پیش روی کوچک خان و حیدر خان، هرگز پیموده نشد. حیدر خان، در نضادهای داخلی نهضت کشته شد (۷۲) و کوچک خان، در حالی که تنها یک نفر از یارانش، او را همراهی می‌کرد، در کوه‌ها از سرما جان سپرد.

نقش روسهای سرخ، در وضعیت نهضت جنگل

انگزاریهای شوروی را بر نهضت جنگل، می‌توان در دو سطح مورد بررسی قرار داد:

سطح یک، روابط بین المللی شوروی و در اینجا، مشخصاً با انگلستان؛ سطح دو، روابط شوروی و متحدان ایرانی اش با نهضت جنگل و در اینجا، مشخصاً با طیف کوچک خان.

سطح یک - روابط بین المللی شوروی و در اینجا، مشخصاً با انگلستان
انقلاب روسهای سرخ علیه تزارها، در نهایت منجر به ستیز بین ایران و روسهای سفید و متحدان ایشان، از جمله انگلیس شد. بعد از پیروزی انقلاب در روسیه و تسلط سرخ‌ها بر نواحی فقشار، مقابله با هجوم احتمالی انگلیس، به عنوان دغدغه‌ای مهم برای سران انقلاب، مطرح بود. اینک روسهای سرخ،

توانسته بودند انگلیس‌ها و روسهای سفید را، عقب برانند؛ اما سایه انگلستان، کماکان سنگینی می‌کرد.

نقل است، در هنگامی که دولت شوروی، درگیر جنگهای سخت داخلی بود، «در مسکو عقیده بر این بوده که فقط پس از اشغال شمال ایران از طرف قشون سرخ، انگلستان، مجبور به انعقاد قرارداد صلح با دولت شوروی خواهد شد» (۷۳) روسهای سرخ، می‌توانستند با تصرف انزلی، ضمن مهار کردن کشتیهای روسهای سفید، انگلستان را نیز از اصلی‌ترین پایگاهش در دریای مازندران، محروم سازند. (۷۴)

روسهای سرخ، ضمن حضور در نهضت جنگل، بر طبق دستور سران انقلاب روسیه، ماه‌موریت یافتند طوری رفتار نمایند که به انگلیس‌ها فهمانده شود که ایشان میل ندارند در کشورهای خاور و به طور مشخص ایران، بر ضد آنها اقدام نمایند. (۷۵) یکی از سران شوروی، در نامه‌ای به دیگر مسئولان آن کشور به تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۲۰ نوشته است: «... انقلاب سوویتی در شرق، اکنون برای ما عمدتاً به منزله یک وسیله اصلی، معامله دیپلماتیک با انگلستان، است» (۷۶)

از موارد فوق، می‌توان نتیجه گرفت که هدف روسهای سرخ از ورود به شمال ایران، دور کردن جبهه ضد انقلابیان از متصرفاتشان بود، و دیگر اینکه می‌خواستند با کسب موقعیتی مناسب، ضمن مذاکره با انگلستان، به تثبیت موقعیت خویش بپردازند. روسهای سرخ، سرانجام با انگلیس‌ها به توافق رسیدند و با امضای قرارداد بازرگانی، به هدف بین المللی دست یافتند. روسهای سرخ، در نهایت از حمایت انقلاب گیلان، دست کشیدند.

سطح دو - روابط شوروی و متحدان ایرانی اش با نهضت جنگل و در اینجا، مشخصاً با طیف میرزا کوچک خان

روسها، با حضور در نهضت جنگل، توانستند نهضت را در یک گام تعیین کننده جهت تشکیل دولت جمهوری در شمال ایران، بازی کنند. از طرف مقامات شوروی، تأکید بر بازی رساندن به نهضت بود. این کمکها، به صورت اعزام نیرو، کادرهای سیاسی، در اختیار گذاشتن تسلیحات، حمایت‌های مالی و سیاسی، باید صورت می‌گرفت. (۷۷) در روندی که نهضت با سرخ‌ها طی کرد، سرخ‌ها، کوشیدند تا ضمن اعمال هژمونی خود، نهضت را تسویه کنند. کودتایی که به سرکبیری احسان‌الله خان منجر شد، در همین راستا صورت گرفت. مدتی پس از کودتا، سرخ‌ها مجبور شدند تا با توجه به موقعیت میرزا، انقلاب گیلان و منطقه، به سمت او بپایند و به این طریق، زمینه اتحادی مجدد شکل گرفت. این اتحاد، به واسطه شکافهای درونی نهضت و بی‌اعتمادی حاصل از آنها در بین نیروها، به سرانجام نرسید و در پایان کار نهضت، شوروی دست از حمایت آن برداشت. (۷۸)

به نظر می‌رسد که شوروی، در ضمن دخالت در نهضت، تلاش کرد تا آن را به زیر هژمونی خود درآورد. موفقیت احتمالی شوروی، منجر به تقریباً موقعیتش در برابر رقبای جهانی می‌شد. شکست این پروژه، نهضت را به کام مرگ فرستاد؛ بخصوص آنکه شوروی توانسته بود با دخالت در شمال ایران، امتیازات لازم را از رقیب خود، انگلستان، اخذ کند.

در نتیجه، از منظر بین المللی می‌توان گفت که با پیدایش شکاف بین

دولت جدید شوروی و انگلستان، شرایط رشد سریع نهضت تا حد تشکیل دولت فراهم شد. معامله روس‌های سرخ و انگلیس برای کاهش شکافها، منجر به قربانی شدن نهضت جنگل گردید. (۷۹)

موقعیت انگلستان، در نهضت جنگل

توفیق نیافتن انگلستان در جلوگیری از تسلط روس‌های سرخ بر سرزمین روسیه و نواحی اطراف آن، به انگلستان فهماند با رقیبی جدید روبه‌رو شده است که توان نابودی آن را دست کم در کوتاه‌مدت ندارد. این بار انگلستان، کوشید تا تحریف را محدود نماید. حضور کمونیست‌ها در شمال ایران و پیوندشان با نهضت جنگل، بر هر اس انگلستان افزود. انگلستان، نگران نفوذ کمونیسم و گسترش انقلاب به نواحی دیگر بود که در این صورت، منافع بسیاری در برابر رقیب از دست می‌داد.

نهضت جنگل، که بر اثر شرایط جدید، موفق به تأسیس جمهوری انقلابی شده بود، انگلستان را به طور طبیعی تحریک می‌کرد تا با آن، کار را یکسره کند. زیرا اگرچه آمدن در برابر نهضت رویه اوج جنگل، می‌توانست رشته امور ایران و سپس دیگر کشورهای منطقه را از دست انگلستان خارج کند. انگلستان، برای نابودی نهضت، در دو سطح وارد عرصه شد: سطح یک گذار آمدن با دولت شوروی و قطع حمایت آن از نهضت جنگل؛ سطح دو نابودی نهضت به دست عنصر ایرانی.

سطح یک - گذار آمدن با دولت شوروی و قطع حمایت آن از نهضت جنگل

سطح یک، زاد بخش بیسار، که به شوروی برداشتم، توضیح دادیم. در آنجا اشاره شد که توافق بر سر منافع مشترک بین شوروی و انگلیس، موجب قطع حمایت شوروی از نهضت شد.

سطح دو - نابودی نهضت به دست عنصر ایرانی

انگلسن، در آن مقطع، به ایرانی یکپارچه با حکومتی ضد کمونیسم نیاز داشت. تا بتواند در برابر نفوذ کمونیسم، مقابله کند. وجود جنبشهای منطقه‌ای و نفوذ داخلی، رصیه را برای نفوذ ایدئولوژیهای رقیب و بیرون‌دخالت‌های رقیب باز می‌گذاشت. همچنین، باید اشاره کرد در صورت عدم سرکوب جنبشهای منطقه‌ای با هر نوع گرایش در ایران، ممکن بود ما گذشت زمان، نیروهای انقلابی حاسی سلاح ملی، موفق شوند معادله قدرت را در ایران دیگرگون سازند. نهضت جنگل و جنبش جبهاتی، در اواخر کار خود، تلاشهایی برای نزدیک کردن صورت داده بودند (۸۰) که اگر تحقق می‌یافت، ممکن بود سرپوش ایران، به گونه دیگری رقم بخورد.

دولت انگلستان، با میدان دادن به رضاخان در سرکوب تمامی جنبشهای منطقه‌ای و در آس آنها، نهضت جنگل، از تشکیل دولت مرکزی مقتدر با چهره ملی، نظامی، ضد کمونیسم (۸۱) حمایت کرد. البته، صحیح تر است که به جای عبارت ضد کمونیسم، از عبارت ضد ضد انگلیس به مفهوم ضدیت با هر نیروی ضد منافع انگلیس استفاده شود؛ چه آنکه خود مدعی باشد با اعمالش به آن نتیجه منتهی شود. چهره سه وجهی رضاخان، تا سال ۱۳۲۰ ایران را حفظ کرد. سعادتمان، در ج آساری در کتاب خود، نشان می‌دهد که سود تجاری فراوانی در طول دوره رفیع خان، نصیب مجموع هند و انگلستان (۸۲) شده است.

ایه صمیمه مراجعه شود.

در مجموع، انگلستان، در توافق با شوروی و قطع حمایت آن کشور از نهضت جنگل، و نیز، میدان دادن به فشارهای داخلی بر نهضت، در سرکوب آن نقش ایفا کرد.

چرا نهضت، شکست خورد؟

از جنبه‌های گوناگون به موضوع نهضت جنگل نوجه کرده‌ایم. در ابتدا اشاره شد که تلاش خواهیم کرد تا از پنجره‌های گوناگون، به نهضت نگاه اندازیم. در همین راستا، از نهضت جنگل پیش از ورود روس‌های انقلابی و تشکیل جمهوری گیلان شروع کردیم. سپس به بررسی پیوند مار و سفید و عمل آن پرداخته شد. بعد از آن، کوشیدیم تا زمینه‌های شکاف را در نهضت نشان دهیم. در ادامه، به نسبتی که روس‌های سرخ و انگلیس‌ها، در نهضت دست داشتند، پرداخته شد؛ بخصوص آنکه اشاره رفت که انگلستان در سرکوب مستقیم نهضت جنگل در مرحله پایانی حیات آن، از عنصر ایرانی بهره برد.

اینک در انتهای بحث، تلاش بر این است که نوع نگریستن مفاله پیش رو به نهضت جنگل، بیشتر توضیح داده شود تا بتوان از درون آن، به نظر مقاله درباره سبب شناسی نهضت جنگل و علل شکست آن، نزدیکتر شد.

کلینت این بررسی را، می‌توان در دو سطح تقسیم کرد:

سطح یک، متغیرهای داخلی نهضت؛ وضعیت طبقات در منطقه و پایگاه طبقاتی نیروها، اقوام و پایگاه قومی نیروها و ایدئولوژی نیروها، سطح دو، متغیرهای خارجی نهضت؛ شوروی و انگلستان.

بررسی نهضت جنگل در سطوح گوناگون داخلی، حکایتگر شکافهای بسیار جدی در میان این نهضت می‌باشد. شکافهای طبقاتی، قومی و ایدئولوژیک، و متی که در کنار هم قرار می‌گیرند، نیروی عظیمی برای از هم پاشیدن نهضت جنگل فراهم می‌نمایند. پیوند سه سطح شکاف، روابطی را در میان خود برقرار می‌کند که به عنوان نسبت‌های نشت‌زا در میان نیروهای که ایشان را نمایندگی می‌کند، ظهور و بروز می‌یابد. به عبارتی، در درون نهضت جنگل، شاهد نهضتها و تحركات گوناگون هستیم؛ شوروی، با حمایت از برخی جناحهای درون نهضت یا توافقانش با دولت مرکزی ایران، و انگلستان، با دامن زدنهایش بر این شکافها. انگلستان نیز، با حمایت از افساد نهضت، در اعمال ضربات گوناگون بر تمامیت آن، کل نهضت را به سمت مرگ هدایت می‌کرد. پیوند تمامی عوامل فوق، حکایت از مجموعه شکافهایی دارد که می‌تواند به طور یقین، نهضت مورد بحث را از هستی ساقط کند. شکافهای فوق، خواستار و ناخواسته، در یک روند تعاملی، بر یکدیگر اثر تکمیلی می‌گذاشتند؛ به عنوان مثال، شکاف طبقاتی، هنگامی که به شکاف ایدئولوژیک نیز دچار می‌شد، اثر بیشتری می‌گذاشت؛ و یا شکاف قومی، هنگامی که مرزبندی ایدئولوژیک نیز، آن را همراهی می‌کرد، به شکافی عمیقتر تبدیل می‌شد. حمایت یک قدرت خارجی از جناحی در درون نهضت، بر شدت درگیریهای افزود. حملات دولت مرکزی، با زمینه سازی قدرتهای خارجی، عمق اختلافات درون نهضت را بیشتر می‌کرد. توافق قدرتهای خارجی، کل نهضت را بی‌پشتوانه رها می‌کرد. در نتیجه، زمینه برای درگیری، افزون‌تر می‌شد.

ملاحظه می‌شود که چگونه شکافها، در سطوح مختلف، به یاری هم

بر می‌خیزد تا بر شدت یکدیگر بیفزایند. در این وضعیت، شکست نهضت جنگل، قطعی می‌باشد. تلاشهای صورت گرفته به شرح مختلف شکافها، دامن زده نشود و تمام انرژی نهضت، مصروف حل شکاف اصلی شود. وحدت میرزا و حیدر عمو اوغلی، بر اساس ترغای حیدر خان، و به عبارتی، برنامه‌ریزی مشترک در جهت تمرکز تمام نیروها و جلوگیری از دامن زدن به شکافهای درون نهضت، جهت اتحادی جبهه‌ای، برای کنار زدن انگلستان از عرصه ایران، اوج این تلاشها بود. اما بر ایند نتایج شگرفه، آنچنان اعمال بیرومی کرد که تلاشهای وحدت بخشی در میان نهضت، نمی‌توانست جنبه عینی و دراز مدت به خود بگیرد.

حاصل سخن آن که در بررسی وضعیت نهضت، نباید با عصبه کردن یک علت، به کمرنگ کردن علل دیگر و با نفی آنها پرداخت. به عنوان مثال، نباید گفت: انگلستان، موجب شکست نهضت جنگل شد و یا شوروی، این سبب را بر عهده داشت، و یا نمی‌توان گفت، که اختلافات طبقاتی در میان نهائی گیلان، موجب شکست شد و یا اینکه خیرات نظامی رضاخان، مبنی نظامی، ضد کمونیسم، نهضت را نابود کرد. به نظر می‌رسد، صحیح‌ترین است که عنوان شود از تعامل مجموعه‌ای از علل بر یکدیگر، شکست نهضت جنگل در آن مقطع زمانی، رقم خورد. کنار گذاشتن هر کدام از این علل، می‌توانست سرنوشتی دیگر برای نهضت رقم بزند.

توضیحات و فهرست منابع:

ابن‌الاصطلاح، از آن روی این مصنفان گردیده که به لحاظ حرفه‌ای، همگی روحانی و در پی چشم‌انداز ملی داشته‌اند.
 ۱- میرزا غوثی، بر عهده نشر جنگل، امور رایج یک خان اسازمان اقتدارات جوامع ایران، ۱۳۷۶، صص ۵۹، ۵۴.
 ۲- همان، صص ۸۲، ۸۱، ۸۰.
 ۳- همان، صص ۲۶۲، ۲۶۱.
 ۴- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۵- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۶- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۷- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۸- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۹- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۰- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۱- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۲- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۳- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۴- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۵- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۶- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۷- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۸- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۱۹- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.
 ۲۰- همان، صص ۲۶۱، ۲۶۰.

۱- حکیم، صادق، نهضت جنگل و بازسازی فرهنگی اجتماعی گیلان و دزون، به کوشش سیدمحمد تقی مرادباقری، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۲- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۳- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۴- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۵- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۶- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۷- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۸- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۹- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۰- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۱- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۲- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۳- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۴- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۵- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۶- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۷- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۸- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۱۹- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.
 ۲۰- میرزاغوثی، میرزاغوثی، در انقلاب ایران، نشر آریه، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۸۸، ۱۸۴.



۱۶۹ روز به طور کامل از طریق هوا جبران شد. دستگیری شایسته و انضباطی از سوی رانندگان در این مورد باعث شد تا کسب احتیاجات می توان به این منابع رجوع کرد. این کتاب، صص ۱۶۹ و جنگلی، صص ۳۳۹، ۳۴۸

۱۳۳ بریکران، صص ۲۳

۱۳۴ آمیانک، صص ۳۷۲

۱۳۵ لنگرک، صص ۲۸۸ و میر فتحعلی، صص ۳۹۱، ۳۹۰

۱۳۶ بریکران، صص ۱۵۵ به نقل از اسناد تاریخی، صص ۳۸ و ۳۹

۱۳۷ میر فتحعلی، صص ۳۹۹ و ۳۶۱، ۳۶۰ و لنگرک، صص ۲۸۸ و یقینک، صص ۹۵، ۸۹

۱۳۸ انجمنی مقاله بیشتر در این مورد، مراجعه شود به: سی نامه های اردو نقل شده از میرزا کریم خان و درویشین، مؤسسه مطبوعاتی شهامت، در کتاب جنگلی، در روابط شوروی و نهضت جنگلی.

۱۳۹ معضلی شهامت، برای شوروی، نقش تعیین کننده در شکست نهضت جنگلی قفقاز می باشد. برای بررسی بیشتر در مورد روابط شوروی و نهضت جنگلی، رجوع شود به کتاب جنگلی به روابط شوروی و نهضت انقلابی جنگلی.

۱۴۰ آوازش، صص ۴۰۴، نقش فرماندهان و فرماندهان تاریخی و اجتماعی آنان، جلد دوم، تهران، نشر آینده، ۱۳۶۱، صص ۹۶

۱۴۱ فرماندهان و عیب فعلیهای گوناگونی در ایران، سال ۱۳۳۱، تصویب شد.

۱۴۲ تحت تسلط انگلستان بود، در نتیجه می توان گفت، نصب انگلستان شد.

۱۴۳ لندن، صص ۳۲۸

۱۴۴ هماد، صص ۳۲۹

۱۴۵ میر فتحعلی، صص ۳۳۳

۱۴۶ جنگلی، شهامت، دولت جنگلی ایران، اسنادهای میرزا شهامت جنگلی، خوارزاده

میرزا کریم خان، نامه ها و نوشته های شهامت، از انتشارات جویبار، ۱۳۵۷، صص ۱۶ و ۳۶

۱۴۷ لنگرک، صص ۳۹۷ به نقل از اسناد تاریخی، صص ۳۰۳ و ۳۰۴، ۳۰۳ و ۳۰۴، صص ۳۶۸ و ۳۶۹

۱۴۸ یقینک، صص ۳۵۲ به نقل از تاریخ بیست ساله ایران، صص ۳۳۸ و ۳۳۹، صص ۳۵۷ و ۳۵۸

۱۴۹ به نقل از مقاله از یقینک، صص ۳۳۵

۱۵۰ به نقل از ۳۰

۱۵۱ بریکران، صص ۳۳۳

۱۵۲ هماد، صص ۳۳۳، ۳۳۲

۱۵۳ تاریخ و جغرافیای، صص ۳۰۱

۱۵۴ آمیانک، صص ۳۰۱

۱۵۵ میر فتحعلی، صص ۳۳۳، ۳۳۲

۱۵۶ یقینک، صص ۳۵

۱۵۷ آمیانک، صص ۳۵۵

۱۵۸ از روشنی، صص ۳۱۱، ۳۱۰

۱۵۹ هماد، صص ۳۰۶ و ۳۰۸

شوشگاه علوم انسانی
پایه اول
مجله علمی و پژوهشی